

روابط خارجی هند: فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران

۲- محسن بیات

۱- ابراهیم طاهری

چکیده

نوع جهت‌گیری که هر کشور در محیط خارجی اتخاذ می‌کند می‌تواند بر منافع راهبردی و کلان کشورهای دیگر به صورت‌های فرصت و محدودیت تأثیر گذارد. رابطه هند و جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، از این منظر نزدیکی هند به دوستان ایران می‌تواند به عنوان یک فرصت، با رقبای و دشمنان ایران می‌تواند باعث محدودیت‌هایی برای گسترش رابطه ایران و هند شود. برای مثال، دوستی سنتی هند با روسیه به عنوان فرصت، همکاری نزدیک با عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و آمریکا به خودی خود می‌تواند به عنوان یک محدودیت برای توسعه روابط دوجانبه و چندجانبه بین ایران و هند عمل کند. هدف این پژوهش بررسی آثار و پیامدهای روابط خارجی هند برای جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی با رویکردهای فرصت و محدودیت است. روش پژوهش مورد استفاده، روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها: هند، روابط خارجی، ایران، فرصت، محدودیت

۱- مقدمه

برای بررسی سیاست خارجی هند نسبت به جهان بیرون می‌توان آن را به سه دوره زمانی تقسیم کرد: در دوره اول که شامل سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ است سیاست خارجی این کشور با تأثیرپذیری از رهبران دوره اول استقلال یعنی نهر و گاندی به سوی آرمان‌گرایی بلندپروازانه حرکت می‌کرد.

Email : Etaheri@yazd.ac.ir

۱- استادیار رشته علوم سیاسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

Email: bayat.m@lu.ac.ir

۲- استادیار رشته علوم سیاسی دانشگاه لرستان

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۵

در دوره دوم که فاصله زمانی بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۰ را در برمی‌گیرد سیاست خارجی هند میزانی از واقع‌گرایی را به خود دید اما همچنان نیز به مبانی اصلی راهبرد عدم تعهد و جهان سوم‌گرایی پایبند بود. یکی از ویژگی‌های این دوره، وجهه ضد غربی و ضد استعماری هند است؛ از جنبش ملت فلسطین به صورت قاطعانه حمایت می‌کرد و مایل به همکاری دیپلماتیک و سیاسی با اسرائیل نبود. دوره سوم در سیاست خارجی هند از سال ۱۹۹۰ میلادی و با فروپاشی شوروی سابق به‌عنوان یکی از دو ستون اصلی نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد شروع شده و تاکنون ادامه دارد. در این دوره، هند در تلاش است تا از طریق راهبرد قدرت پل زنده، با همه قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌المللی رابطه داشته باشد و از این طریق منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی مورد نیاز خود را تأمین کند. در سطح منطقه‌ای نیز ضمن کاهش تنش‌ها با همسایگان به‌خصوص چین و پاکستان بیشترین خویشتن‌داری را در اختلافات مرزی از خود نشان داده است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

سابقه روابط ایران و هند به اندازه تاریخ است. در واقع ایران تا سال ۱۹۴۷ میلادی با کشور هند همسایه بود. پس از اینکه شبه قاره هند تجزیه شد پاکستان به عنوان کشور حائل مابین ایران و هند قرار گرفت. در این دوره زمانی روابط دو کشور با فراز و فرودهای مختلفی روبرو بوده است. برای مثال تا قبل از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ در قالب جنبش عدم تعهد باهم همکاری می‌کردند. بعد از ۱۹۹۱ و تغییر در رویکرد سیاست خارجی هند روابط دو کشور با فراز و فرودهای بیشتری روبرو شده است. در حالی که هند در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ان.پی. تی را نوعی اقدام تبعیض آمیز می‌دانست اما در تحریم‌های اعمالی شورای امنیت بر علیه جمهوری اسلامی ایران مشارکت کرد. حال با این اوصاف پرسش اصلی پیش روی این پژوهش این است که مهمترین فرصت‌ها و محدودیت‌های روابط خارجی هند برای جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

نوع جهت‌گیری که هر کشور در محیط خارجی در پیش می‌گیرد می‌تواند فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کشورهای دیگر به دنبال آورد. نوع جهت‌گیری که هند در سیاست خارجی خویش به ویژه بعد از ۱۹۹۱ دنبال کرده است ضمن آنکه فرصت‌هایی را پیش روی دستگاه سیاستگذاری ایران قرار داده باعث شده محدودیت‌هایی را برای این کشور به وجود آورد. این

پژوهش تولید ادبیات در این حوزه برای استفاده دانشگاهیان و دیگر دست‌اندرکاران امر را به عنوان مهمترین هدف خویش در دستور کار قرار داده است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

تحولات سیاست خارجی هند توجه پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای را به خود معطوف کرده است. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه عبارت‌اند از: محمد کاظم سجاد پور و مهرداد پهلوانی در مقاله «جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط هند و ایالات متحده آمریکا» تلاش کرده‌اند با نقد دیدگاه‌های مختلف، جایگاه ایران در مناسبات هند و آمریکا را تبیین کنند (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱). شاهین در مقاله «بررسی و تحلیل سیاست خارجی ایران و هند تا سال ۱۳۹۲» با رویکردی تطبیقی حوزه‌های تعامل و تقابل در سیاست خارجی دو کشور را مورد بررسی قرار داده است (شاهین، ۱۳۹۲). مقاله «سیاست خارجی هند نسبت به ایران: چالش‌های یک قدرت نوظهور» از ملیسا لویلانت به بررسی سیاست خارجی هند نسبت به ایران با رویکرد توجه به مولفه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک پرداخته است (Levillant, 2012). سفیر سابق هند در قزاقستان یعنی راجیو سیکری در کتاب خویش تحت عنوان «چالش و راهبرد: بازانديشی سیاست خارجی هند» رویکرد منطقه‌ای سیاست خارجی هند را در مناطق مختلف دنیا تحلیل کرده است. او در این کتاب ضمن بررسی دقیق سیاست خارجی هند در هر منطقه از جمله خاورمیانه و ایران تلاش می‌کند راهکارهایی را نیز پیش روی دستگاه سیاستگذاری هند قرار دهد (Sikiri, 2013). از آنجایی که تاکنون هیچ پژوهشی به طور مستقل به بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های روابط خارجی هند برای جمهوری اسلامی ایران نپرداخته این مقاله درصدد است با رویکردی توصیفی-تحلیلی پیامدهای سیاست خارجی هند نسبت به ایران را مورد کنکاش قرار دهد.

۲- چهارچوب نظری و مولفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی هند

سیاست خارجی هند نسبت به جهان بیرون طی یک و نیم دهه گذشته دچار تغییرات بنیادی شده است. این تغییر نگاه و اولویت‌آمر اقتصادی در سیاست خارجی باعث نزدیکی هند به قدرت‌های بزرگ و حتی رقبای منطقه‌ای آن از جمله پاکستان و چین شده است. تغییر دیگری که در سیاست خارجی هند اتفاق افتاده دوری‌گزیدن از ایده رهبری جهان سوم و رسیدن به این درک که ظرفیت ظاهر شدن به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل را دارد است. اندیشه ضد غربی در سیاست

خارجی هند به حاشیه رفته و این کشور به عنوان بزرگترین دمکراسی جهان بیشترین تعهد را به ارزش های غربی بیرون از جهان یورو-آتلانتیک دارد. در نهایت تغییر جهت دیگر به حرکت از آرمانگرایی به سمت واقع گرایی در قالب عملگرایی بوده است. آرمانگرایی طبیعتاً مربوط به رهبران دهه اول استقلال هند برای مثال جواهر لعل نهرو بود. رهبران جدید هند به مفهوم «سیاست قدرت» توسل می جویند (Mohan, 2006: 3-4). با همه تغییر و تحولاتی که در راهبرد کلان سیاست خارجی هند اتفاق افتاده مجموعه ای از عوامل وجود دارد که سیاست خارجی هند را در هزاره سوم میلادی تحت تأثیر قرار می دهد. این عوامل عبارتند از:

- رقابت منطقه‌ای با چین و پاکستان: پاکستان چالش برانگیزترین همسایه هند است زیرا اختلافات جدی ارضی میان دو کشور به خصوص در مناطق مسلمان‌نشین جامو- کشمیر همچنان پابرجاست. دارای توان نظامی، هسته‌ای و موشکی قابل توجهی است و از اهمیت راهبردی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باهدف نفوذ به درون هند برخوردار است (Sikri, 2013: 38).

- حفظ سطح مناسبی از رشد اقتصادی: برای حفظ سطح مناسبی از رشد اقتصادی باید به مراکز انرژی ارزان قیمت دست پیدا کند. هند در حال حاضر ۷۰ درصد نفت و ۵۰ درصد از گاز مورد نیاز اقتصاد داخلی را از خارج وارد می‌کند؛ در نتیجه وابستگی هند در این بخش باعث می شود به سمت کشورهای دارای منابع نفت و گاز دنیا از جمله خاورمیانه، افریقا و نیم‌کره غربی متمایل شود (Eia, 2014).

- توان هسته‌ای و بازدارندگی: هند از طریق سیاست هسته‌ای در تلاش است تا ضمن ایجاد موازنه‌ای در برابر قدرت فزاینده نظامی - هسته‌ای چین و پاکستان از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در مناطق پیرامونی جلوگیری به عمل آورد.

- کنترل جدایی طلبی در مناطق مسلمان‌نشین به خصوص جامو و کشمیر: هند با در برداشتن اقلیت بزرگ مسلمان در بخش‌های شمالی و جنوب غربی و جدایی طلبی آن‌ها به‌ویژه در مناطقی چون جامو و کشمیر همواره تلاش کرده است تا رابطه توأم بااحتیاطی را با کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه از جمله ایران، عربستان سعودی، مصر و ترکیه برقرار کند (Kronstadt & et al, 2010: 6-50).

-رقابت میان احزاب سیاسی در هند: رقابت میان احزاب سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی هند است. با قدرت‌گیری احزاب چپ در این کشور مخالفت‌ها با رابطه نزدیک هند و آمریکا شدت گرفت (Zain Hussain, 2011).

-عوامل هنجاری: سیاست خارجی هند تا مدت‌ها متأثر از اصول پنج‌گانه «صلح هندی» یعنی احترام به تمامیت ارضی همه کشورها، عدم استفاده از زور، عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها، برابری و سود چندجانبه و همزیستی مسالمت‌آمیز قرار داشت (Tocci & et al, 2008: 227).

-تنوع قومی مذهبی جامعه هند: در قانون اساسی هند ۲۲ زبان به رسمیت شناخته شده که در بخش‌های مختلف جغرافیایی این کشور پراکنده هستند. از نظر مذهبی نیز از هر نوع مذهبی در هند وجود دارد. برای نمونه، ۸۰ درصد از جمعیت این کشور را هندوها، ۱۳/۴ درصد مسلمانان، مسیحیان ۲/۳ درصد، سیخ‌ها ۱/۹ درصد، جین‌ها، یهودیان، زرتشتیان و بهاییان همگی ۱/۹ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. با این ترکیب متنوع قومی - مذهبی در هند هر حزبی و گروهی که قدرت را به دست بگیرند بایستی این‌چنین ملاحظات را مدنظر قرار دهند (Malone & Mukherjee, 2010:3).

۳- روابط خارجی هند در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی

۳-۱- آمریکا

سیاست خارجی هند نسبت به آمریکا طی ۵ دهه گذشته تغییر و تحولات زیادی را به خود دیده و از یک رابطه عادی دیپلماتیک به سمت همکاری‌های نزدیک در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی حرکت کرده است. از جمله عواملی که باعث نزدیکی دو کشور می‌شود ترس هند از تروریسم داخلی و بین‌المللی است. برای مقابله با چنین چالش‌هایی مجبور به همکاری با آمریکا است. در کنار مبارزه با تروریسم جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نیز به دغدغه مشترک دو کشور تبدیل شده است (Banerjee, 2015: 1-7). دو کشور در ارتباط با امنیت انرژی و مخاطرات زیست‌محیطی نیز دارای منافع مشترکی هستند. قرارگیری هند در منطقه اقیانوس هند و وابستگی ۶۰ درصدی به منابع انرژی منطقه خلیج فارس به همراه افزایش بی‌سابقه در انرژی مصرفی باعث شده هند در تلاش برای همکاری بیشتر با کشورهایی باشد که در این رابطه نگرانی‌های مشترکی

دارند. از گذشته تاکنون هند در تلاش بوده تا جای پای را برای نفوذ در افغانستان به دست آورد. حضور جدی امریکا به عنوان قوی‌ترین کشور حاضر در افغانستان به هند اجازه می‌دهد تا در افغانستان حضور داشته و منافع امنیتی خود را پیگیری کند (Kronstadt & et al, 2010: 7-9). به همه مسائل فوق‌الذکر بایستی قدرت فزاینده اقتصادی و نظامی چین و تلاش این کشور برای سلطه بر آسیا و تحمیل هژمونی خویش را که البته دغدغه امریکا نیز می‌باشد افزود. در نتیجه دو کشور از راهبردهای مختلفی برای کنترل و مهار چین از درگیری‌های کوچک در مرزهای این کشور در تبت و هیمالیا و نفوذ در مناطق مسلمان‌نشین این کشور در سین کیانگ گرفته تا تلاش برای براندازی حکومت‌های تحت نفوذ این کشور در افریقا و امریکای لاتین و اخلال در امر انتقال انرژی استفاده خواهند کرد تا مانع قدرت‌گیری بیشتر آن شوند (Dormandy, 2008).

۲-۳- آسیای مرکزی و روسیه

افراطی‌گری اسلامی در منطقه آسیای مرکزی و ترس از سرایت آن به مناطق پیرامونی این کشور، حضور دشمنانی چون چین و پاکستان در منطقه از جمله مشکلات هند برای حضور در این منطقه است. در نتیجه هند با حضور در منطقه آسیای مرکزی از سرایت ناآرامی به مناطق مسلمان‌نشین خویش جلوگیری به عمل آورد (Laruelle, 2010: 45)؛ به‌ویژه آنکه اقلیت مسلمان هند استقلال کشورهای آسیای مرکزی از شوروی را به‌عنوان یک الگو در نظر می‌گیرند. راهبرد «سیاست ارتباط با آسیای مرکزی» با این هدف به دنبال نفوذ بیشتر هند در آسیای مرکزی است (zafar, 2015: 2). هند به واقع از این طریق در قالب بازی بزرگ جدید وارد آسیای مرکزی برای ایجاد موازنه می‌شود (Mubeen & Bushra, 2015: 188). به خصوص که چین از طریق سازمان همکاری شانگهای منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی را به پیش می‌برد. علاوه بر این هند می‌تواند خود را به‌عنوان یک الگوی توسعه به کشورهای آسیای مرکزی معرفی کند؛ الگوی توسعه هند به خاطر پیشبرد همزمان توسعه سیاسی و اقتصادی مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه قرار دارد. همچنین تأمین نیازهای مقطعی هند از سوی کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه صنعت و فناوری به‌جای مانده از شوروی سابق همچنان می‌تواند بخشی از نیازهای هند را برآورده کند (Laruelle, 2010, 20-21).

منافع هند و روسیه در قیاس با منافع هند و چین در آسیای مرکزی هم پوشانی بیشتری دارد به خصوص که از زمان شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی تاکنون مناسبات هند و روسیه دوستانه و مثبت بوده و در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی به‌خوبی گسترش پیدا کرده است. از حیث نظامی دو کشور همکاری‌های گسترده‌ای در توسعه موشک‌های برهما، نسل پنجم بالگردهای جنگنده و هواپیماهای مسافرتی چندگانه دارند. از نظر اقتصادی نیز دو کشور از نزدیک باهم همکاری می‌کنند؛ به طوری که میزان تجارت دوجانبه در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۱۲ میلیارد دلار رسید و دو کشور برنامه توسعه همکاری‌ها در همه زمینه‌ها را در دستور کار قرار داده‌اند. در بخش انرژی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای نیز روسیه شریک قابل اعتماد هند است. برای مثال نیروگاه برق هسته‌ای کودان کولام به‌وسیله روس‌ها در این کشور ساخته شده و در سال ۲۰۱۳ تکمیل شد. دومین نیروگاه هسته‌ای نیز در حال ساخت است (Mohan, 2013, 17-32).

۳-۳- افغانستان

ثبات و امنیت در افغانستان باعث امنیت و ثبات داخلی در هند می‌شود. هند در ارتباط با افغانستان درصدد است مانع از بازگشت طالبان به قدرت شود و رژیم‌های باثبات قدرت را در دست گیر تا بتواند مسیری را از طریق افغانستان برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی ایجاد کرده و پیوندهای اقتصادی با افغانستان را بهبود بخشد (K Nair, 2015: 6). هند که فروپاشی طالبان در افغانستان را به‌عنوان یک دستاورد راهبردی برای خویش قلمداد می‌کرد در اجلاس بن در سال ۲۰۰۱ که مربوط به چارچوب کلی ساختار سیاسی و قانونی آینده افغانستان بود شرکت کرد و برخلاف مواضع خود در دوران جنگ سرد در حمایت از حضور شوروی در افغانستان از مواضع ایالات متحده آمریکا و ناتو در این کشور حمایت کرد. علاوه بر تلاش برای حضور نیروهای ناتو در افغانستان این کشور در فرایند بازسازی افغانستان به‌طور فعالانه مشارکت دارد (Price, 2013, 2-5). در همین راستا، هند با اختصاص ۱/۲ میلیارد دلار کمک برای بازسازی افغانستان در دوره بعد از فروپاشی طالبان تا سال ۲۰۱۳ نقش پررنگی را در بازسازی افغانستان به‌ویژه از طریق مشارکت در ساخت بزرگراه زرنج - دلارام و نیروگاه برق‌آبی سلما ایفا کرده است (K Nair, 2015: 12). همچنین هند در تلاش است تا با احیای نقش افغانستان در ارتباط بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی به حضور خود در این افغانستان را پایدار کند (Verma, 2010: 23). مقابله با نفوذ بلندمدت چین و پاکستان و ناتو در افغانستان از دیگر انگیزه‌های همکاری هند با ایران و روسیه در این کشور درگیر بحران

است. این کشور نگران از حضور چین و پاکستان در افغانستان و تلاش برای ایجاد ناآرامی در کشمیر و مناطق مسلمان‌نشین است (Laruelle, 2010: 83-84).

۳-۴- پاکستان

سیاست خارجی هند نسبت به پاکستان به خاطر ادعاهای مرزی میان دو کشور در منطقه جامو و کشمیر و جنگ‌های پی‌درپی همواره تهاجمی بوده است. آنچه برای هند اهمیت دارد این است که تلاش می‌کند تا موضوع کشمیر را به یک موضوع فرعی برای جهان بیرون تبدیل کند و آن را منحصر به یک موضوع دوجانبه کند که از اهمیت زیادی برخوردار نیست؛ زیرا از این طریق قادر خواهد بود از نقش کنشگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به خصوص جهان اسلام در این مناقشه کاسته و با دور نگه داشتن این کشورها از این مسئله و با توجه به نابرابری قدرت هند و پاکستان آن را به نفع خود حل و فصل کند. از ۱۹۴۷ یعنی سال استقلال هند در تلاش است از طریق تجهیز خود توان بازدارندگی در برابر پاکستان را حفظ کند و از دستیابی این کشور به سلاح‌هایی که باعث برهم خوردن موازنه قوا شود جلوگیری کند (Afshian, 2010). با این وجود هند در دوره بعد از سال ۱۹۹۰ تلاش کرده روابط مبتنی بر همسایگی صلح‌آمیزتری را نسبت به گذشته با پاکستان داشته باشد. علی‌رغم درگیری‌های مرزی تا سرحد یک مواجهه نظامی جدی، با برگزاری اجلاس دوجانبه در سطح سران چهارچوبی برای صلح پایدار میان دو کشور ایجاد شده است. چهار دور گفتگو میان دو کشور از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ برگزار شد که به تقویت روابط اقتصادی میان دو کشور کمک زیادی کرد، از ۲۰۰۸ دو کشور نسبت به حذف ویزا بین دو کشور به توافق رسیدند و از ۲۰۱۱ به بعد و به دنبال برگزاری نشست‌های مشترک روابط دو کشور به سمت و سوی همکاری بیشتر گرایش پیدا کرده است (ali, 2015:367).

۳-۵- خاورمیانه

هند در قالب سیاست «نگاه به شرق» سعی در نزدیکی هرچه بیشتر به همسایگان جنوب شرقی دارد و در قالب «سیاست نگاه به غرب» در تلاش است رابطه مستحکم‌تری را با کشورهای منطقه خاورمیانه برقرار کند و از تمرکز سنتی خود مبنی بر حمایت تاریخی از ملت فلسطین فراتر رود و بر پیوندهای خویش با ستون‌های اصلی منطقه یعنی ایران، رژیم صهیونیستی، ترکیه و دولت‌های عربی بیفزاید که این امر حکایت از واقع‌گرایی در سیاست خارجی هند دارد. به همین خاطر در

این بخش رابطه این کشور با اسرائیل، ایران، عربستان سعودی و ترکیه به اجمال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵-۳-اسرائیل

سیاست خارجی هند نسبت به اسرائیل را می‌توان در قالب سه دوره طبقه‌بندی کرد: دوره اول که از ابتدای تشکیل دولت یهودی یعنی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۱ را در بر می‌گیرد تحت تأثیر منافع این کشور در خاورمیانه به‌خصوص جهان عرب و رابطه با شوروی سابق قرار داشت. به خاطر قرار داشتن اسرائیل در اردوگاه غرب و تأثیرپذیری هند از جنبش عدم تعهد همواره از آرمان‌های ملت فلسطین دفاع می‌کرد. در دومین دوره زمانی بعد از ۱۹۹۲ با شروع روابط دیپلماتیک روز به‌روز رابطه میان دو کشور بهبود یافته است. فروپاشی شوروی و از بین رفتن الزامات جنگ سرد، هند را به‌سوی همکاری بیشتر با اسرائیل سوق می‌داد. دوره سوم که عمدتاً شامل سال‌های بعد از ۲۰۰۲ است رابطه دو کشور با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه شده است. آنچه در این دوران باعث نزدیکی بیش از پیش دو کشور به هم شده رابطه با آمریکا به‌خصوص بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است که در نتیجه آن سیاستمداران هندی به این نتیجه رسیدند که همکاری‌های آمریکا - اسرائیل و هند تأمین‌کننده منافع سه‌جانبه است. آنها می‌دانند که لابی یهودی اسرائیل در آمریکا نقش بی‌بدیلی در نفوذ بر دستگاه سیاست خارجی و مالی آمریکا دارد. علاوه بر آگاهی از نقش لابی یهود نزد آمریکایی‌ها هند به‌خوبی آگاه است که می‌تواند از تخصص و فناوری اسرائیل در صورت نزدیکی به این رژیم استفاده کند. بر طبق آمارهای بانک جهانی اسرائیل در سال ۲۰۱۲ بیش از ۳۶ میلیارد دلار صادرات کالا و خدمات داشته است که بیش از ۱۱ میلیارد دلار آن مربوط به کالاهای دارای فناوری در سطح بالا بوده‌اند (The World Bank, 2014). علاوه بر این دو کشور در مورد آسیای مرکزی دیدگاه‌ها و منافع مشترکی دارند. هر دو کشور تجهیزات نظامی به کشورهای آسیای مرکزی صادر می‌کنند و منافع انرژی مشترکی در منطقه دارند. در تلاش هستند تا نفوذ ایران و عربستان سعودی در منطقه را محدود کنند به‌خصوص دو کشور در این رابطه با روسیه نیز منافع مشترکی دارند. به‌علاوه پاکستان و تهدیدات متصور از جانب این کشور به یکی از دغدغه منطقه‌ای مشترک هند و اسرائیل تبدیل شده است. بحران کارگیل در ۱۹۹۹ که منجر به درگیری جدی میان هند و پاکستان شد و ترس اسرائیل از روی کار آمدن یک دولت اسلام‌گرا در پاکستان باعث گسترش

همکاری‌های فنی و نظامی گسترده و افزایش فروش سلاح از سوی اسرائیل به هند شد. ظرفیت هسته‌ای پاکستان تهدیدی مشترک برای هر دو کشور است، به‌ویژه اگر نیروهای افراط‌گرا در پاکستان قدرت را در دست بگیرند (Sikri, 2013: 143-147). هند سومین واردکننده بزرگ سلاح‌های اسرائیلی بعد از ترکیه و چین است. امضای موافقت‌نامه همکاری فضایی میان دو کشور بیانگر عمق و اهمیت این موضوع است. علاوه بر گسترش روابط نظامی روز به روز بر حجم رابطه اقتصادی میان دو دولت اسرائیل و هند و افزوده می‌شود به‌گونه‌ای که از حیث اقتصادی نیز از میانه‌های دهه ۹۰ میلادی هند به بزرگ‌ترین شریک اقتصادی اسرائیل در آسیا بعد از چین و هنگ‌کنگ تبدیل شده است (Mea, 2015).

۲-۵-۳- عربستان سعودی

رابطه هند و عربستان سعودی به ویژه بعد از امضای اعلامیه ریاض تحت عنوان «عصر جدید مشارکت راهبردی» به سوی یک رابطه راهبردی سوق پیدا کرده است (Millia Islamia, 2015: 2)؛ روز به روز بر حجم مبادلات اقتصادی - تجاری و به‌خصوص انرژی میان دو کشور افزوده می‌شود. هند در حال حاضر چهارمین شریک تجاری عربستان سعودی بعد از چین، ایالات متحده آمریکا و امارت متحده عربی است. به‌علاوه، هند ششمین منبع بزرگ واردات عربستان سعودی با ۱۲/۴ درصد از واردات آن از آسیا در سال ۲۰۱۳ است. تجارت دوجانبه میان دو کشور به فراتر از ۳۰ میلیارد دلار رسیده است که بیش از ۷ برابر سال ۲۰۰۰ میلادی است (Mumtaz, 2010: 2-4). تلاش برای حفظ رشد اقتصادی ۷ تا ۸ درصدی کنونی در طی دهه‌های آینده باعث شده هند در پی شرکای راهبردی برای تأمین منابع انرژی باشد. به همین خاطر گرایش به سمت عربستان سعودی به‌عنوان دارنده بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان از سوی سیاستمداران هندی افزایش یافته است (Eia, 2014). هند با برخورداری از ۱۶۰ میلیون مسلمان که هر ساله تعداد زیادی از آن‌ها به مکه برای حج سفر می‌کنند مجبور است ملاحظات مربوط به این جمعیت عظیم را در نظر گرفته و به دنبال رابطه مساعد با حکومت عربستان باشد. بی‌دلیل نیست که همه سفرای هند در عربستان سعودی و همچنین سرکنسول این کشور از مسلمان این کشور انتخاب می‌شوند. به‌علاوه عربستان به‌عنوان یکی از سه کشور قدرتمند منطقه خاورمیانه در کنار ایران و ترکیه، بزرگ‌ترین استخدام‌کننده هندی‌های مهاجر در سطح جهانی و به‌عنوان یکی از مدعیان اصلی رهبری جهان عرب نقش قابل

توجهی را در راهبرد بلندمدت هند برای حضور در جهان اسلام بازی می‌کند. در کنار این موضوع پیوستگی امنیت منطقه شبه‌قاره و خلیج فارس باعث شده هند تلاش کند با مهم‌ترین کنشگران منطقه در جهت تأمین امنیت منطقه‌ای همکاری کند. رابطه نزدیک پاکستان و عربستان سعودی نیز باعث شده هند در پی دور کردن این دو کشور از یکدیگر باشد تا از این طریق باعث کاهش نقش عربستان در حمایت از پاکستان به‌ویژه در مناقشه کشمیر شود (Sikri, 2013: 121).

۳-۵-۳- ترکیه

سیاست خارجی هند نسبت به ترکیه نه آن‌چنان فعال است که منجر به رابطه‌ای راهبردی با این کشور شود نه آن‌چنان با نوسان همراه بوده که به تیرگی منجر شود؛ بنابراین در سطح یک رابطه معمول دیپلماتیک باقی مانده است. حمایت ترکیه از مواضع پاکستان در کشمیر نیز در عدم تبدیل رابطه دو کشور به یک رابطه راهبردی بی‌تأثیر نبوده است. با این وجود دو کشور ترکیه و هند دارای منافع مشترکی در برخی از نقاط آسیا از جمله آسیای مرکزی و قفقاز هستند. از یک طرف هر دو کشور به دنبال ایجاد ثبات و توازن در منطقه آسیای مرکزی و افغانستان هستند؛ از حکومت‌های موجود در منطقه حمایت کرده و خواهان توسعه اقتصادی و سیاسی در منطقه از طریق حکام کنونی هستند؛ زیرا هند نگران از توسعه بی‌ثباتی از آسیای مرکزی از طریق افغانستان به مناطق مسلمان‌نشین این کشور به‌خصوص در کشمیر، بنگال غربی و سایر مناطق است و ترکیه نیز به‌عنوان یک دولت سکولار با گرایش‌های پان‌ترکی هرگونه بی‌ثباتی به‌خصوص در جبهه اسلام‌گرایی در منطقه را در تضاد آشکار با مدل سکولار حکومتی خود قلمداد می‌کند. در اجلاسی که در سال ۲۰۱۲ در آلمان قزاقستان در ادامه مجموعه اجلاس‌های مربوط به افغانستان برگزار شد دو کشور بر ضرورت ثبات و تأمین امنیت در افغانستان و حمایت از حکومت کنونی بعد از خروج نیروهای ناتو تأکید ویژه داشتند. از طرفی دیگر نیز هند از نقش ترکیه در امور خاورمیانه آگاه است و با نزدیکی به این کشور قصد دارد حضور پررنگ‌تری در امور این منطقه راهبردی ایفا کند (Kadioglu & et al, 2010: 35-41). از نظر اقتصادی نیز ظرفیت‌هایی در ترکیه وجود دارد که هند را ترغیب به همکاری بیشتر با این کشور می‌کند. برای مثال، ترکیه می‌تواند به‌عنوان پلی برای صادرات کالاهای تولیدی هند به اتحادیه اروپا عمل کند؛ هر دو کشور به‌عنوان اعضای گروه جی ۲۰ یا گروه کشورهای صنعتی می‌توانند نقش فعالی را در عرصه اقتصاد بین‌الملل ایفا کنند (FICCI, 2014).

یکی از دلایل تلاش هند برای نزدیکی به ترکیه دور کردن این کشور از پاکستان و تقویت موضع خویش در کشمیر از این طریق است (Ozkan, 2010: 7-10).

۴- بحث و تحلیل

۴-۱- فرصت‌های پیش روی ایران

جهت‌گیری سیاست خارجی هند با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و الگوهای دوستی و دشمنی حاصل از این رابطه می‌تواند واجد فرصت‌هایی برای ایران باشد که در ادامه به برخی آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱-۱- نزدیکی به روسیه با هدف ایجاد جهان چند قطبی

راهبرد هند برای ایجاد جهانی چندقطبی از طریق راهبرد نیروی «پل زنده» بین قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل یعنی ایالات متحده، چین، روسیه و اتحادیه اروپا و تبدیل جهان به چندقطبی به خاطر دمکراتیک‌تر شدن نظام بین‌الملل فضای مانور بیشتری را در قیاس با جهان تک‌قطبی و هژمونیک برای قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران از طریق دوری و نزدیکی به هریک از این قطب‌ها به وجود می‌آورد؛ بنابراین تبدیل شدن هند به یک قدرت بزرگ و حاکم شدن فضای چندقطبی در بلندمدت باعث تأمین منافع ملی ایران خواهد شد. به‌خصوص که هند از جایگاه برجسته ژئوپلیتیک ایران در نظام بین‌الملل کنونی به‌طور عام و نظام منطقه‌ای آسیای مرکزی از طرف دیگر برخوردار است. در حال حاضر در محافل سیاسی و دانشگاهی این بحث مطرح است که هند در مسیر تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ است زیرا این کشور همچون چین از مؤلفه‌هایی چون جمعیت بالاتر از ۱ میلیارد، پیشرفت اقتصادی چشمگیر و شرکای تجاری قدرتمند همچون امریکا، چین، روسیه و اتحادیه اروپا و ظرفیت‌های نظامی رو به رشدی برخوردار است. هند تلاش می‌کند در نهادهای چندجانبه بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد حضور جدی داشته باشد. این کشور تا پایان سال ۲۰۱۳ سومین کمک‌کننده به عملیات حفظ صلح شورای امنیت سازمان ملل متحد بود؛ به‌طوری‌که در ۴۳ عملیات حفظ صلح با مجموع ۱۶۰ هزار سرباز مشارکت جدی داشته است (Mohan, 2013: 2-4). سازمان همکاری شانگ‌های و رژیم‌های منطقه‌ای مانند سارک، ارتباط با آسه آن و عضویت در بریکس، جهانی چندقطبی ایجاد کند.

۲-۱-۴- اشتراک دیدگاه در امور افغانستان

ایران و هند در ارتباط با افغانستان نیز دیدگاه مشترکی دارند. دلیل همکاری ایران و هند در امور افغانستان بایستی در قالب رقابت منطقه‌ای و همکاری میان چین و پاکستان دیده شود. آنچه باعث سوءظن پاکستان شده سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار ایران و نگرانی پاکستان از استفاده هند از این بندر به‌عنوان پایگاهی برای نیروی دریایی و تهدید علیه امنیت ملی این کشور است. متقابلاً هند نیز نگران حضور چین در کنار مرزهای این کشور از طریق توسعه بند گواتر پاکستان در اقیانوس هند است زیرا قرارگیری گواتر در جنوب غربی منطقه بلوچستان پاکستان و منتهی علیه خلیج عمان و تنگه هرمز باعث تبدیل آن به یک بندر راهبردی شده است (Laipson, 2012: 2-3).

گرچه هند به خاطر نگرانی‌هایی که از بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان داشت تلاش می‌کرد تا با همراهی نیروهای ائتلاف به رهبری ناتو به حضور و سلطه این گروه بر افغانستان پایان دهد اما تمایلی به تداوم حضور آمریکا و قدرت‌های غربی از طریق ناتو در افغانستان ندارد زیرا هند چنین حضوری را برخلاف منافع ملی و امنیتی خود قلمداد می‌کند (Laruelle, 2010: 53). بنابراین این نوع نگرش هند باعث ایجاد فرصت‌هایی برای ایران می‌شود؛ زیرا ایران نیز مایل به حضور و نفوذ قدرت‌های فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای از جمله ناتو و پاکستان در مناطق پیرامونی از جمله افغانستان نیست (Tiwari, 2015:6).

۳-۱-۴- وجود اختلافات جدی این کشور با پاکستان

هندی‌ها به‌خوبی آگاه هستند که پاکستان در آینده همچنان به آشتی‌ناپذیری با هند ادامه خواهد داد؛ بنابراین با نزدیکی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تلاش خواهد کرد تا به‌نوعی این کشور را کنترل کند (Afshian, 2010). وجود اختلافات جدی مرزی و رقابتی راهبردی میان دو کشور برای تسلط بر منطقه شبه‌قاره و اختلافات مربوط به منابع آبی که از هند سرچشمه گرفته و وارد پاکستان می‌شود به خصوص اختلافات دو کشور در ارتباط با معاهده ۱۹۶۰ (Ebert, 2015: 6) باعث خواهد شد تا حسی از بدبینی همراه با سوءظن شدید نسبت به اقدامات یکدیگر در منطقه شبه‌قاره ادامه داشته باشد. همین امر تبدیل به فرصتی تاریخی برای ایران شده است. تلقی هند از پاکستان به‌عنوان یک تهدید جدی باعث خواهد شد این کشور وارد ائتلاف با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای شود. ایران با برخورداری از یک موقعیت ژئوپلیتیک و داشتن

مرز مشترک با پاکستان تبدیل به یک فرصت تاریخی برای هند می‌شود تا با نزدیکی به ایران سعی در کنترل پاکستان داشته باشد.

۴-۱-۴- وجود اختلافات جدی این کشور با چین

هند و چین در حال حاضر به‌عنوان رقبای جدی محسوب می‌شوند که تلاش دارند تا نظمی دلخواه در منطقه آسیا ایجاد کنند؛ چینی‌ها مایل به حضور و نفوذ قدرت‌های بیرونی در آسیا نبوده و در پی ایجاد نظامی تک‌قطبی در آسیا هستند؛ در مقابل هندی‌ها که از سلطه چین بر کل آسیا نگران هستند قصد دارند تا با باز کردن پای قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله امریکا در بخش‌هایی از آسیا از جمله آسیای جنوب شرقی، افغانستان و منطقه شبه قاره توازن قوا در منطقه را به سود خود تغییر دهند. علاوه بر تلاش برای ایجاد جهانی تک‌قطبی در آسیا از سوی دو کشور، آنچه باعث تیرگی بیشتر رابطه چین و هند شده حمایت‌های چین از پاکستان است (Southernlan, 2014: 7). اختلافات میان دو کشور هند و چین در مورد حضور قدرت‌های منطقه‌ای در آسیا باعث ایجاد فرصت‌های جدیدی در سیاست خارجی ایران می‌شود؛ زیرا ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ مایل به حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله امریکا و ناتو در مناطق پیرامونی از جمله در خاورمیانه و آسیای مرکزی قفقاز نیست. چین با رویکردی شبیه به ایران می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت برای سیاست خارجی ایران در نظر گرفته شود که با نزدیکی بیشتر به آن در قالب ائتلاف‌های منطقه‌ای از جمله عضویت در سازمان همکاری شانگهای و برگزاری مانورهای مشترک بخشی از اهداف خود را تأمین کند.

۵- محدودیت‌ها

اگرچه روابط خارجی هند باعث به وجود آمدن فرصت‌هایی برای ایران می‌شود اما باعث محدودیت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران می‌شود. این محدودیت‌ها عبارت‌اند از:

۱-۵- افزایش حضور در مناطق پیرامونی ایران یعنی آسیای مرکزی و خاورمیانه

با افزایش توان ملی هند انتظار می‌رود که در مناطق پیرامونی ایران از جمله خاورمیانه و آسیای مرکزی حضور و نفوذ جدی داشته باشد. چنانچه در حال حاضر نیز این کشور از طریق پایگاه آیینی تاجیکستان به رصد فعالیت قدرت‌های دیگر از جمله ایران می‌پردازد که خود محدودیت‌های جدی را برای ایران به وجود می‌آورد. همکاری این کشور با اسرائیل و امریکا و حضور این دو کشور در

منطقه آسیای مرکزی این شائبه را در ذهن ایجاد می‌کند که هند با همراهی این دو قدرت ممکن است به رصد اقدامات داخلی و بین‌المللی ایران از طریق حضور در این منطقه کمک کند و در مواقع ضروری از این حضور به‌عنوان اهرم فشاری بر علیه ایران استفاده کند. از طرفی، حضور هند در منطقه آسیای مرکزی و تلاش برای ایجاد خط لوله تاپی با هدف انتقال گاز ترکمنستان از طریق ترکمنستان و افغانستان به هند در تناقض با منافع راهبردی ایران به‌ویژه خط لوله صلح است که قصد دارد منابع گازی ایران را از طریق پاکستان به هندوستان انتقال دهد (Mumtaz, 2010: 1-3). افزایش توان هند باعث خواهد شد هند در محیط پیرامونی ایران حضور جدی داشته باشد. هر لحظه ممکن است رابطه میان ایران و هند به‌ویژه به خاطر نزدیکی هند به غرب یعنی آمریکا و اسرائیل به سمت و سویی حرکت کند که هند از یک همکار به رقیبی برای منافع ملی ایران تبدیل شود و با همراهی دیگر کشورها تلاش کند محدودیت‌هایی را بر ایران تحمیل کند (Mohan, 2013: 2-4).

۲-۵- غرب‌گرایی و بهبود رابطه با آمریکا و اسرائیل

رابطه دوجانبه هند و آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد به سمت یک همکاری راهبردی سوق پیدا کرده است (Martin, Michael F. & Et al, 2014: 3). آنچه باعث بهبود در روابط دوجانبه شده منافع مشترک دو کشور در جلوگیری از به وجود آمدن آسیای تک‌قطبی به رهبری چین، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، افراطی‌گری به‌خصوص از نوع اسلامی و با حمایت پاکستان است. بایستی خاطر نشان کرد هند از طریق نزدیکی به آمریکا می‌تواند به نحو بهتری منافع ملی در افغانستان و پاکستان را تأمین کند (Blackwill & et al, 2011: 7-9). نزدیکی هند به آمریکا به نگرانی عمده‌ای برای ایران تبدیل شده است. تحت تأثیر رابطه نزدیک میان دو کشور بود که در سال ۲۰۰۵ میلادی هند با رأی مثبت برای انتقال پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد.

همین‌طور رابطه نزدیک هند و اسرائیل بعد از فروپاشی شوروی سابق می‌تواند باعث کاهش همکاری‌ها میان ایران و هند در آینده شود. تا قبل از این اتفاق هند آشکارا از آرمان ملت فلسطین حمایت می‌کرد. بعد از برقراری رابطه رسمی، بهبود رابطه در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دستور کار سیاست خارجی هند قرار گرفته و حمایت از آرمان ملت فلسطین به یک شعار دارای بار سیاسی برای حضور و نفوذ بیشتر در جهان اسلام تبدیل شده است (Falk, 2009: 3-4).

۳-۵- بهبود رابطه با عربستان سعودی

رابطه نزدیک دو کشور به مرحله‌ای رسیده که با حمایت‌های عربستان سعودی هند به‌عنوان عضو ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی پذیرفته شده است (Sikri, 2013: 121). رابطه نزدیک و مثبت میان هند و عربستان سعودی با در نظر داشتن ملاحظات ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوپلیتیک محدودیت‌هایی را برای رابطه ایران و هند به وجود می‌آورد. از نظر ژئواکونومیک نزدیکی میان هند و عربستان سعودی باعث خواهد شد که یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت تولیدی ایران، نفت عربستان سعودی را به‌عنوان جایگزینی برای ایران در نظر گرفته و از این طریق از وزن ژئواکونومیک ایران نزد هند کاسته خواهد شد؛ از نظر ژئوپلیتیک نیز ایران و عربستان سعودی در تلاش هستند تا به قدرت برتر در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تبدیل شوند. در این راستا دو کشور راهبردهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. عربستان سعودی با همکاری کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و دائمی کردن حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله آمریکا در منطقه تلاش کرده است تا بر میزان نفوذ خود بیفزاید. این در حالی است که ایران تلاش دارد با همکاری کشورهای منطقه‌ای نظم در منطقه خاورمیانه به‌ویژه خلیج فارس را برقرار کند. متمایل شدن هند به عربستان سعودی باعث کاهش وزن ژئوپلیتیک ایران در منطقه خاورمیانه خواهد شد؛ از نظر ژئوکالچر نیز ایران و عربستان هرکدام در تلاش هستند تا خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام معرفی کنند (Mumtaz, 2010: 2-4).

۶- نتیجه

نوع روابط خارجی هند و انتخاب نقاط هدف در سیاست خارجی این کشور آثار و پیامدهای مثبت و منفی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. برای نمونه در حالی که اسرائیل و آمریکا در زمره دشمنان ایران هستند هند بعد از ۱۹۹۱ به سمت بهبود رابطه با این دو کشور حرکت کرده و تبدیل به شرکای راهبردی برای هر دو کشور شده است. نزدیکی بیش از حد به آمریکا باعث شد که هند در موضوع هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رأی به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد دهد مسئله‌ای که نزدیک به یک دهه انرژی سیاست خارجی ایران را برای حل و فصل آن و تبدیل شدن به یک مسئله عادی بین‌المللی به خود معطوف کرد. بهبود رابطه هند و عربستان سعودی نیز از آنجا که این کشور رقیب ایران در محیط منطقه‌ای خاورمیانه در ابعاد ژئواکونومیک صادرکننده نفت، ژئوکالچر (تلقی متفاوت از اسلام نسبت به شیعه

انقلابی ایران) و ژئوپلیتیک (نگاه متفاوت نسبت به مقوله امنیت و حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای از سوی دو کشور) می‌تواند برای ایران محدودیت‌هایی را به وجود آورد. درعین‌حال همه روابط خارجی هند برای جمهوری اسلامی ایران محدودیت‌زا نیست و نوع جهت‌گیری این کشور نسبت به پاکستان و چین می‌تواند فرصت‌هایی را برای کنشگری پیش روی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورد. از دیگر مزایای روابط خارجی هند می‌توان به تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی، رابطه مثبت و سنتی با روسیه و همچنین بدبینی نسبت به حضور نیروهای فرا منطقه‌ای در افغانستان اشاره کرد که با نگاه راهبردی ایران به نظام بین‌الملل دارای هم‌پوشانی‌هایی است و فرصت نزدیکی بیشتر دو کشور به هم را فراهم آورد.

۳- منابع

- ۱- سجادیپور، محمدکاظم و پهلوانی، مهرداد، جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط هند و ایالات متحده امریکا، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۶۸-۹۳.
- ۲- شاهین، مهدی، بررسی و تحلیل سیاست خارجی ایران و هند تا سال ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هشتم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۹۵، صص ۶۳-۸۲.

- 3- Banerjee, Stuti. 2015. **India and the United States: Strengthening the Partnership** (Report), New Delhi: Indian Council of World Affairs, pp. 1-9.
- 4- Naveeda, Yousaf & Et al. 2017. **Pakistan – Centric Foreign Policy of India**, *Journal of the Research Society of Pakistan*, Vol. 54, No. 1, pp. 137-152.
- 5- Ali, Muhammad & ET Al. 2015. Pakistan –India Relations: Peace Through Bilateral Trade, **European Scientific Journal**, vol 4, No 11, pp. 23-26.
- 6- Berlin, Donald L. 2004. “**India-Iran Relations: A Deepening Entente**(Report)”, Hawaii: Asia Pacific Centre for Security Studies, pp. 8-26.
- 7- Blackwill, Robert. D & et al. 2011. “**The United States and India a Shared Strategic Future**”(Report), New Delhi, Council on Foreign Relations Press, pp. 1-19.
- 8- Dormandy, Xenia. 2007. “**India's Foreign Policy**”(Report), Madrid, *Foundation Marceline Botin*, New Delhi: Centre for West Asian Studies, pp. 1-15.
- 9- Dossani, Rafiq. 2011. “**The Future of India's Muslims**”, the Stanford Journal of Muslim Affairs, Vol. 1. No 2, pp. 11-16.
- 10- Friedrich-Ebert-Stiftung. (2015), **Future Scenarios of Pakistan – India Relation**(Report), No. 31, Vol, 1. Islamabad., Friedrich-Ebert-Stiftung.
- 11- Embassy of India, Tehran. 2014. “**India-Iran Relations**” (Observed: 23/11/2014) at: http://www.indianembassy-tehran.ir/india-iran_relations.php.

12-Ficci.2014."India-Turkey: Trade and Economic Relations"

(Observed: 25/11/2014) at:

http://www.ficci.com/international/75130/Project_docs/FICCI-Turkey.pdf

13-K Nair, Kirit .2015. **India's Role in Afghanistan Post 2014**

(Report), New Delhi: Centre for Land Warfare Studies, pp.1-30.

14-Kadioglo, Ayşe & et al.2010. **Turkey s Foreign Policy in A Changing World: Old Alignments and New Neighborhood's**, Oxford: University of Oxford.

15-Kronstadt, Alan & et al.2010. **India-U.S. Relations**, Washington: Congressional Research Service Center, pp.1-23.

16-Laruelle, Marlene and et al. 2010. **China and India in Central Asia: A New Great Game**, New York: Palgrave Macmillan.

17-Levaillant, Melissa. 2012. "**India's Foreign Policy Toward s Iran: Dilemmas of An Emerging Power**" Journal of Iranian Research and Analysis, Vol. 26, No. 2,pp.40-59.

18-Malone, David & Mukherjee, Rohan.2010. "**India and China: Conflict and Cooperation**, Journal of Global Politics and Strategy, Vol. 52,No. 3, Pages 137-158.

19-Martin, Michael F. & ET al.2014.**India-U.S. Economic Relations**, In Briefs, Washington, Congressional Research Service, pp. 1-13.

20-Millia Islamia, Jamia(2015), **India and Saudi Arabia: The Emerging Socio-Cultural and Economic Dimension**, (Observed: 10/6/2016)at:http://jmi.ac.in/upload/EventDetail/seminar_cwas_concept_paper_2015march3.pdf.

21-Mohan, Raja. C.2013. "**India and International Peace Operation**", SIPRI Insight on Peace and Security", No.3, Vol.7, pp. 1-9.

22-Mohan.Raja.C.2006. "**India's New Foreign Policy Strategy**"(Report), Beijing: China Reform Forum and the Carnegie Endowment for International Peace, pp. 1-7.

23-Mubeen, Adnan & Bushra, Fatima.2015. **Strategic and Economic Interests of Pakistan and India in Central Asia**, South Asia Studies, Vol. 30, No.2, pp187-200.

24-Mumtaz, Kashif. 2010. "**Changing patterns of Saudi-Indian ties**" (Observed: 15/11/2014) at: http://www.issi.org.pk/publication-files/1299047326_38521947.pdf.

- 25-Ozkan, Mehmet.2010. "Can the Rise of 'New' Turkey Lead to a 'New' Era in India-Turkey Relations?" (Observed: 25/11/2014) at http://kms2.isn.ethz.ch/serviceengine/Files/ESDP/137527/ipublicationdocument_singledocument/a5e39fdf-3588-4d74-940e-dd0ddb8ae0a/en/IB_IndiaTurkeyRelations.pdf
- 26-Price, Gareth.2013. "India s Policy Toward s Afghanistan"(Report), London: Chatham House, pp. 1-9.
- 27-Sikiri, Rajiv.2013. **Challenge and Strategy: Rethinking India's Foreign Policy**, New Delhi: Vivek Mehra.
- 28-Southerland, Matthew & ET al.2014. **China-India Relations: Tensions Persist Despite Growing Cooperation**, New York, NY: Columbia University Press, pp.1-7.
- 29-The World Bank.2014. "Exports Goods and Services (% Of GDP)" (Observed: 26/11/2014) at: <http://databank.worldbank.org/data/views/reports/tableview.aspx?issared=true>.
- 30- Smita Tiwari.2015. "New regime in Afghanistan and India's policy options,"New Delhi, *Indian Council of World Affairs*,pp. 1-10.
- 31-Zain Hussain, Zara. 2011. "**The effect of domestic politics on foreign policy decision making**" (Observed: 27/11/2014) at: <http://www.e-ir.info/2011/02/07/the-effect-of-domestic-politics-on-foreign-policy-decision-making/>
- 32-Eia.2014."India" (Observed: 22/11/2014) at: <http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/India/india.pdf>.
- 33-Mea.2015.**India-Israel Relations**(Observed:12/5/2016)at: http://www.mea.gov.in/Portal/ForeignRelation/Israel_2015_07_14.pdf.